

## بررسی و تحلیل ساختاری و محتوایی «عنوان» در سروده‌های احمد شاملو

علی محمدی\*

طاهره قاسمی دورآبادی\*\*

### چکیده

«عنوان» یک نشانه زبانی است که در آغاز متن قرار می‌گیرد تا آن را نام‌گذاری، نشان‌دار و برجسته سازد و خواننده را به خواندن متن ترغیب کند. عنوان می‌تواند از نظر محتوایی گاهی همچون ابزاری سرشت متن را آشکار کند و از ابهام آن بکاهد، یا در فرایند نظریه‌ساختار به عنوان جزئی از یک کل، کمال‌بخش یک ساختار کلان‌تر باشد که در اندام‌وارگی کل متن یا کتاب دیده می‌شود. احمد شاملو نسبت به ساخت و بافت واژگان، توجه ویژه‌ای دارد و پدیدآورنده گنجینه‌ای پر بار و بدیع از واژگان و ترکیب‌های زبانی تازه است. همچنین، بین عنوان‌های شعری و اندیشه حاکم بر سروده‌های شاملو انسجام و پیوندی استوار، در صورت و محتوا وجود دارد. بررسی عنوان در سروده‌های شاملو، خواه در پیشانی آثار او باشد و خواه نامی باشد که بر سروده‌های او نهاده شده، یکی دیگر از ابزارهایی است برای فهم، نشانه‌گذاری و خوانش آثار او، بدین روی با توجه به نام‌گذاری عنوان هم می‌توان به محتوای کتاب‌ها و سروده‌های او پی‌برد و هم خطوط فکری و اندیشگی او را بررسی کرد.

**کلیدواژه‌ها:** احمد شاملو، شعر معاصر، عنوان سروده‌ها، بسامد.

---

\* استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، khoshandam.ali2@gmail.com  
\*\* دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول)،  
taherehghasemi87@yahoo.com

## ۱. مقدمه

پژوهش درباره «عنوان» یک اثر ادبی و انواع کارکردهای آن در متون، از جمله پژوهش‌هایی است که در دهه‌های اخیر مورد توجه ناقدان ادبی واقع شده است. «عنوان» جزء ضروری یک متن است و دلالت‌های بسیاری دارد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. زیرا، عنوان یک اثر اولین شاخص ارزیابی آن اثر است که می‌تواند نظر خواننده را برای آشنایی با محتوای متن برانگیزد یا برعکس خواننده را از خواندن آن متن منصرف سازد. عنوان هر چه باشد، فضای آن شعر هم، در اکثر موارد، همان حال و هوا و هماهنگی را دارد. مخاطب انتظار ندارد شعری با نام «مرداب غازیان»، دارای فضایی پر از تفاخر و زیبایی باشد. از این رو، عنوان به مثابه

مدخلی مهم است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت، چرا که بدون تردید خواننده می‌تواند از طریق آن به عالم متن وارد شود و از آن برای فهم متن کمک گیرد. (رحیم، ۲۰۱۰: ۳۲۳).

برخی از عناوین به طور مستقیم به محتوای یک متن اشاره می‌کنند و برخی دیگر به طور غیرمستقیم و از طریق رمز، کنایه، استعاره و مانند آن به محتوا دلالت می‌کنند. در پاره‌ای موارد عنوان دلالت متن را فشرده می‌کند تا خواننده از طریق آن بتواند آسان‌تر و صریح‌تر، به دلالت‌های محتوایی متن دست یابد. در این موارد، عنوان مانند کلیدی است که رمز متن را می‌گشاید. گرایس می‌گوید: «عنوان باید اطلاع دهنده، صحیح، مربوط، خلاصه و فشرده و روشن باشد» (Grice, 1975: 41). بنابر این، عنوان یکی از مهم‌ترین اجزاء یک اثر ادبی است که در رویکردهای نوین نقد ادبی نیز جایگاه خاصی یافته است و می‌توان گفت که عنوان جزء ضروری متن شده است و تقریباً همه آثار شعری معاصر دارای عنوان هستند، چنان‌که پورنامداریان می‌گوید: «از نام و عنوان گریزی نیست» (۱۳۹۰: ۷۰).

شاعران و منتقدان معاصر، برای عنوان جایگاه خاصی قائل هستند. آنان در داوری‌های خود به عنوان شعرها نیز توجه می‌کنند. برای نمونه، مهدی اخوان ثالث درباره سهراب سپهری چنین می‌گوید: «شعرهای سهراب سپهری سه خصوصیت عمده دارد کم‌نظیر: اول این‌که برای اغلب شعرهایش نام‌های خوب و زیبایی برمی‌گزیند» (۱۳۷۴: ۱۲۱). هم او درباره عنوان کتاب «هوای تازه» شاملو می‌نویسد: «خود هوای تازه (که به نظر من اسم بسیار بد و نامناسبی برای این کتاب است)، بسیار رنگین و پرفراز و فرود و گاه بسیار زیبا و

پرشکوه است» (یادنامه احمد شاملو، ۱۳۹۲: ۲۱۰). شاعران نیز به نام شعرهایشان توجه و در گزینش آن‌ها تأمل می‌کنند. چنان‌که، شاملو نام یکی از سروده‌اش را سه بار عوض کرده و این مسئله بیانگر توجه بیش از حد شاعر به عنوان سروده‌هایش است. «عنوان این شعر (تا شکوفه سرخ یک پیراهن)، نخست «شعر سفید غفران» بود که بعد به «قطع‌نامه» تبدیل شد و هنگامی که با فریدون رهنما و مرتضی کیوان کلمهٔ اخیر را برای عنوان مجموعه برگزیدیم، نام این شعر را به «تا شکوفه سرخ یک پیراهن» تغییر دادم» (۱۳۵۰: ۱۹).

از آن‌جا که شعر شاعران انعکاس افکار، اندیشه‌ها و گرایش‌های آن‌هاست و با توجه به اینکه عنوان شعرها، اغلب با توجه به محتوای شعر انجام می‌گیرد، بنابراین، می‌توان با خواندن عنوان کتاب‌ها و سروده‌های شاعر، خطوط فکری و اندیشه‌هایشان را بررسی کرد. به قول شفیع «هیچ ضرورتی ندارد که برای تحلیل ساحت‌های جمال‌شناسی یک شاعر، حتماً دیوان‌های او خوانده شود. می‌توان از روی نام کتاب‌ها، ذهنیت او را تحلیل کرد» (۱۳۸۶: ۴۲۲). در این پژوهش ما به بررسی و تحلیل عنوان‌های شعری احمد شاملو پرداخته‌ایم. احمد شاملو با توجه به گنجینهٔ غنی‌ای که از واژگان دارد، برای سروده‌هایش عنوان‌های زیبا و مناسب و بدیع برگزیده است. همچنین، بین عنوان‌های شعری و اندیشهٔ حاکم بر سروده‌های شاملو انسجام و پیوندی استوار، در صورت و محتوا وجود دارد. ما در این پژوهش برآنیم که به این سوال پاسخ دهیم، رابطهٔ میان عنوان سروده‌های شاملو و متن سروده‌هایش از چه کیفیتی برخوردار است و آیا می‌توان از طریق عنوان‌های شعری، اندیشه و ذهنیت او را بررسی کرد؟

## ۲. پیشینهٔ تحقیق

تحقیق دربارهٔ «عنوان» در یک اثر ادبی، نخستین بار مورد توجه غربی‌ها قرار گرفت و آن‌ها نخستین کسانی بودند که به این موضوع پرداختند. ۱. لیوهوک (Leo H. Hock) در سال ۱۹۷۳ کتابی با نام ویژگی عنوان تألیف کرد که در تبلور علم «عنوان‌شناسی» نقش بسیاری داشته است. ۲. ژرار ژنت (Genette Gérard) در کتاب زمینه‌ها (۱۹۷۸)، پژوهش کاملی دربارهٔ «آستانه‌های ورود به متن» یا درگاه‌های ورود به متن ارائه کرده است که از اصلی‌ترین و کامل‌ترین منابع ارجاعی پژوهشگران در عنوان‌شناسی به حساب می‌آید.

در جهان عرب، کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی دربارهٔ عنوان نوشته شده است. از جمله: ۳. محمد فکری الجزار کتاب عنوان و نشانه‌شناسی اتصال ادبی را در سال ۱۹۹۸ تألیف کرد که

عنوان را از زاویه‌های مختلف بررسی کرده است. ۴. خالد حسین حسین، مؤلف کتاب نظریه عنوان (۲۰۰۵)، پژوهشی جامع و کامل پیرامون عنوان ارائه داده و به تحلیل چندین عنوان ادبی پرداخته است. ۵. کتابی با نام، *العنوانُ فی الشعرِ العربی النشأة و التطور* (۱۹۹۸م)، نوشته محمد عویس، که در آن به بررسی تاریخچه عنوان از آغاز پیدایش تا عصر حاضر پرداخته است. ۶. *الشعرُ العربی الحدیثِ دراسة فی المنجزِ النَّصی* (۱۹۹۸م)، تألیف رشید یحیوی، نقش عنوان در متن و نیز رابطه عنوان با متن اختصاص داده است و سپس به ذکر چند عنوان شعر از شاعران برجسته عرب پرداخته است. ۷. کتاب *لسانیات النَّصِّ نحوَ منهجٍ لِتحلیل الخُطابِ الشعری* (۲۰۰۹)، نوشته احمد مداس نیز از جمله کتاب‌هایی است که در قسمتی از آن عنوان را بررسی کرده است. ۸. رساله‌ای با نام «بررسی دلالت عنوان در شش شاعر فارسی و عربی معاصر» (نیما، شاملو، شفیعی، سیاب، مقالح، و درویش) (۱۳۹۲)، نوشته فاطمه بخت، زیر نظر سعید بزرگ بیگدلی، که در دانشگاه تربیت مدرس تهران، نوشته شده است. این رساله، به نقد و بررسی عنوان از دیدگاه نشانه‌شناسی نیز پرداخته است.

مقاله‌هایی که درباره عنوان نوشته شده‌اند: ۱. مقاله محمد علی جباره و م.م. کوثر (۲۰۱۴) با نام «عَتَبَةُ العُنوانِ فی قِصَصِ فَرَجِ یاسینِ القِصیرَةِ جِداً - دراسة فی بَنیَّتِها التَّرکیبِیَّة» مجله *کلیة التربیة الاساسیة*، جامعه بابل، حزیران، العدد ۱۲، درباره عنوان داستان‌های مینی‌مالیستی نوشته شده است. ۲. مقاله عبدالقادر رحیم (۲۰۰۸): «عنوان متن هنری؛ اهمیت و انواعش»، یکی از مقاله‌های متمایزی است که عنوان را از چند جنبه بررسی کرده است. ۳. شفیعی کدکنی، محمدرضا، در کتاب *زمینه اجتماعی شعر فارسی* (۱۳۸۶) مقاله‌ای دارد که اشعار معاصر عرب را با این رویکرد بررسی کرده است. ۴. مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل نام‌های اشعار قیصرامین پور» (۱۳۸۹)، نوشته مصطفی گرجی، جستارهای ادبی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱۶۷، به تحلیل عنوان‌های اشعار قیصر امین‌پور پرداخته است. ۵. مقاله علی محمد پشت‌دار (۱۳۹۱): «نقدی بر زیبایی‌شناسی عیوب کلام با ذکر شواهدی از اشعار احمد شاملو و نیما یوشیج» مجله *ادبیات پارسی معاصر* شماره دو. ۶. مسعود روحانی (۱۳۹۳): «نگاهی به شیوه‌های پایان‌بندی در شعر م. سرشک»، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳. این مقاله اهمیت پایان‌بندی در شعر را نشان می‌دهد. ۷. دهرامی، مهدی (۱۳۹۴): «بررسی چگونگی نام‌گذاری عنوان شعر در ادبیات سنتی و معاصر و کارکردهای زیبایی‌شناختی آن»، مجله *شعرپژوهی دانشگاه شیراز*، سال هفتم، شماره سوم، پاییز، پیاپی ۲۵.

در هر حال، دربارهٔ عنوان کتاب‌ها و سروده‌های احمد شاملو مطلبی نوشته نشده است و تلاش نویسندگان در این مقاله این است که به این مورد بپردازند.

### ۳. تأثیر زمان و مسایل اجتماعی بر نام‌گذاری کتاب‌ها و سروده‌ها

شاعران فرزند زمان خویشند و بی‌گمان از حوادث و وقایع روزگار خود تأثیر می‌پذیرند. اغلب آنان نسبت به وقایع زمان خود بی‌تفاوت نیستند و از شعر نیز به‌مثابهٔ ابزاری به سود پیشبرد وقایع و مسائل زمان خود بهره می‌گیرند. می‌توان واقعهٔ کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را مثال زد. این دوره یکی از تاریک‌ترین برهه‌های تاریخ معاصر ایران به شمار آید که همهٔ ابعاد زندگی، حتی شعر و ادب این سرزمین را نیز تحت‌تأثیر خود قرار داد (نک. پارسا، ۱۳۸۸: ۳). اگر عنوان کتاب‌های چاپ‌شده در این سال یا سال‌های نزدیک به این واقعه را بررسی کنیم، می‌بینیم که عنوان‌ها به‌کلی تحت تأثیر این حادثه بوده‌اند و همه یا اغلب بیانگر احساسات ناشی از شکست و اندوه شاعران و روشنفکران نسبت به این رویداد است. برای مثال، شعر «زمستان» اخوان حاصل همین دوره است. اثر دیگر مربوط به این دوره، «شب‌گیر» از هوشنگ ابتهاج است. «شکست حماسه» از غلام‌حسین غریب هم ترجمان روح این شکست است. در سال‌های ۱۳۳۳ مجموعه شعرهای «چشم‌ها و دشت‌ها» از نادرپور، «کوچ» از نصرت رحمانی، «آرزوی جنوب» از فریدون کار، و «خار» از صدرالدین الهی منتشر شد. در سال ۱۳۳۴ «دختر جام» از نادر نادرپور، «زمین» از هوشنگ ابتهاج، «تشنهٔ توفان» از فریدون مشیری، «کویر» از نصرت رحمانی، «اسیر» از فروغ فرخزاد، «اشک و بوسه» از فریدون کار، «شکست سکوت» از کارو، «دیار شب» از م. آزاد، عنوان کتاب‌های شعر این دوره‌اند. با نگاهی به عنوان این کتاب‌ها، می‌توانیم تأثیر کودتا و حوادث روز را در نام‌گذاری آنها مشاهده کنیم.

### ۴. تطابق و سازواری میان عنوان سروده‌های شاملو با متن شعر

بین عنوان‌های شعری شاملو و متن شعرهای او هماهنگی و انسجام استواری وجود دارد. شاعری چون شاملو در نام‌گذاری شعرهایش حساس بوده است. او به‌ندرت عنوان شعرهایش را متناقض و متضاد از محتوای شعرهایش برگزیده است. ولی در موارد اندک و نایاب این تناقض دیده می‌شود. برای نمونه، او در شعری با نام «غزلی در نتوانستن»، هم واژه

«غزل» و هم «توانستن» که در عنوان شعر آمده است، اندکی با مفهوم و محتوای متن شعر او متناقض است. چون تغزل را برای شعری که مفهوم اجتماعی دارد، به کار می‌برد و واژه «توانستن» او در این غزل اوج «توانستن» در بیان مفاهیم اجتماعی است. با این حال، از این نوع عنوان‌ها در اشعار او کم‌تر دیده می‌شود. می‌توان گفت که او تطابق و سازواری بین عنوان شعر را با متن شعر رعایت کرده است. در بسیاری از شعرها، او عنوان‌ها را در متن می‌آورد. در بررسی که روی کتاب «هوای تازه» انجام دادیم، او در ۷۶ درصد از شعرها، عنوان را در متن ذکر کرده است. در ۱۸ درصد، عنوان‌های شعری در بیت (بند) اول و در ۱۵ درصد، در پایان سروده تکرار شده است. در ۴۳ درصد، عنوان در متن ذکر شده است. و در ۲۴ درصد دیگر، عنوان، در متن ذکر نشده است. به ندرت پیش می‌آید که رابطه عنوان با متن شعر درک نشود. گاهی ممکن است ربط بین عنوان و متن دیر به ذهن برسد یا به درستی به ذهن نرسد. مانند شعری به نام «طرح»، خود سروده این است: بر سکوتی که با تن مرداب / بوسه خیسانده دست‌آغوش / وز عمیق عبوس می‌گوید / راز با او، به نغمه‌ای خاموش / رقص مهتاب مهرگان زیباست / با دمش نیم سرد و سر سنگین / هم چو بر گردن ستبر «کاپه» / بوسه چرخ تیغ گیوتین! (۱۳۵۵: ۱۴۹).

در کتاب‌های دیگر شاملو، آمار از این قرار است: در «دشنه در دیس»، از مجموعه بیست و دو سرود، هشت عنوان، در «ابراهیم در آتش»، از مجموعه بیست و دو سرود، ده عنوان، در «آیدا در آینه»، از مجموعه بیست و هشت سرود، شش عنوان، در «ترانه‌های کوچک غربت»، از مجموعه بیست سرود، نه عنوان، در «شکفتن در مه» از مجموعه یازده سرود، پنج عنوان، در «ققنوس در باران»، از مجموعه بیست و سه سرود، نه عنوان، در «باغ آینه»، از مجموعه چهل و سه سرود، هشت عنوان، در «آیدا: درخت و خنجر و خاطره»، از مجموعه بیست و یک سرود، پنج عنوان، در متن شعر نیامده است. در پانزده سرود عنوان در همان مصراع اول است. در «مرثیه‌های خاک»، از مجموعه نه سرود، هشت عنوان در متن شعر نیامده است. در «حدیث بی‌قراری ماهان»، از مجموعه هفده سرود، پنج عنوان در متن شعر نیامده است.

به طور کلی، می‌توان گفت: یک چهارم عنوان‌ها در متن شعرهای شاملو نیامده است. با این حال، اغلب مفهوم عنوان وجود دارد. سروده‌هایی که هم عنوانشان در متن ذکر نشده و هم مفهوم و ربط آن‌ها نیامده، بسیار کم است. این سروده‌ها ذهن را برای ربط عنوان با متن به تلاش وا می‌دارد.

## ۵. تکرار عنوان

از ویژگی برجسته‌ای که در سروده‌های احمد شاملو می‌توان به آن اشاره کرد؛ تکرار چندین بارهٔ عناوین است. تکرار می‌تواند به دلایلی از قبیل تأکید، برجسته‌سازی، موسیقایی کردن، القاء معانی و مفاهیم و موارد دیگر باشد. همچنین به قول پشتدار و دیگران: «برای حسرت و نوعی نگاه به گذشته، تکرار برای عینیت دادن و هشدار» (۱۳۹۰: ۱۲-۱۱) تواند بود. برای نمونه، شاملو در شعر «مه»، چهار بار جملهٔ «بیابان را سراسر مه گرفته است» و چهار بار هم واژهٔ «مه» را به تنهایی به کار برده است. در سرود «مرگ نازلی»، هشت بار واژهٔ نازلی را تکرار کرده است و عنوان را «مرگ نازلی» قرار داده است. همین تکرارهای متمادی، عاطفه را در شعر پایدار می‌کند و به گونه‌ای غیر مستقیم خواننده را در آفرینش شعر یا بازآفرینی آن سهیم می‌سازد (هم‌چنین بنگرید به متحدین، ۱۳۵۴: ۵۱۷). در موارد زیادی تکرار عنوان در انتهای شعر انجام می‌گیرد و به پایان‌بندی شعر کمک می‌کند. شاعر در این موارد، مخاطب را در انتظار ادامهٔ شعر نگه می‌دارد و دست او را برای تأویل‌های گوناگون از شعر باز می‌گذارد. بسامد این تکرارها در سروده‌های شاملو، بسیار است. نیما یوشیج اولین شاعری بود که چندین بار عنوان‌ها را در متن شعرهایش تکرار کرده است. اوج این گونه تکرارها را باید در شعرهای فروغ فرخزاد جست.

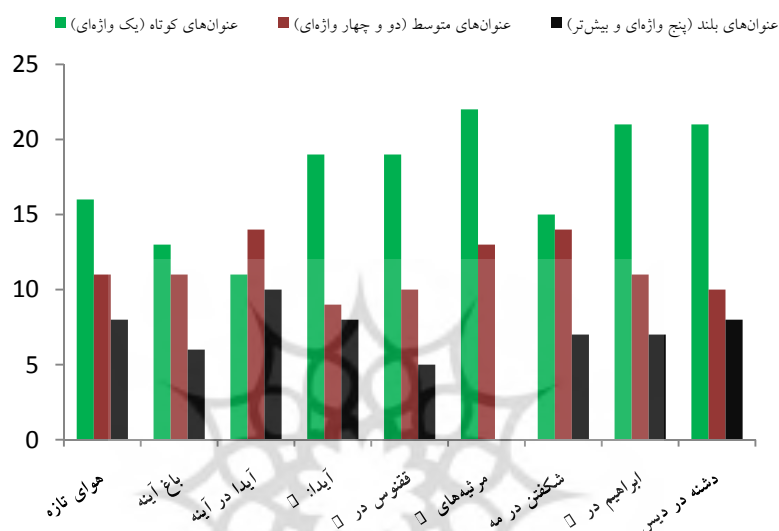
## ۶. بررسی ساختار عنوان‌ها

### ۱.۶ ترکیبی یا ساده بودن عنوان‌ها

اغلب واژه‌های تشکیل دهندهٔ عنوان کتاب‌های شاملو را واژگان ترکیبی تشکیل می‌دهند. به عقیدهٔ شفیعی کدکنی، در دورهٔ رمانتیسم عنوان‌ها کوتاه هستند و در مرحلهٔ بعد که دورهٔ رمزگرایی سیاسی است، قدری درازتر می‌شوند. به نظر او همین مسئله دربارهٔ کتاب‌های شاملو صدق می‌کند «که از «هوای تازه» و «باغ آینه» شروع می‌شود و می‌رسد به «آیدا در آینه»، و «آیدا درخت و خنجر و خاطره» (۱۳۸۶: ۴۴۸). باین‌حال، شاملو در عنوان‌های فرعی، واژه‌های ساده و یک واژه‌ای را بیش‌تر به کار برده است که به قرار ذیل هستند.

- شاعر در «هوای تازه»، بیست و هفت عنوان را به صورت یک واژه‌ای، بیست و دو عنوان را به صورت دو واژه‌ای، چهار عنوان را به صورت سه واژه‌ای، شش عنوان را به صورت چهار واژه‌ای، یک عنوان را به صورت پنج واژه‌ای، یک عنوان را به

صورت شش واژه‌ای و یک عنوان را به صورت هفت واژه‌ای و دو عنوان را به صورت هشت واژه‌ای به کار برده است. باقی دفتر شعرهای احمد شاملو را به همین شیوه بررسی کردیم، نمودار زیر به خوبی روایت‌گر این مسئله است.



در این بررسی که از عنوان‌های شعری شاملو، صورت گرفت، باید گفت: بیش از نیمی از عنوان‌های شعری شاملو را عنوان‌های کوتاه یک واژه‌ای تشکیل داده است. این آمار بیان‌گر این است که شاملو، ابهام را در عنوان حفظ کرده است. چون ابهام در عنوان‌های یک واژه‌ای بیش‌تر دیده می‌شود و بسامد آن در واژه‌هایی که نمادین هستند، بسیار است. مهم‌ترین انگیزه شاعران از روی آوردن به نماد، خلق ابهام و غنی کردن جنبه‌های ادبی آثار هنری است. او در عنوان شعرها به عکس کتاب‌ها، بیش‌تر به واژه می‌نگرد تا به ترکیب. باید گفت: عنوان هرچه ساده‌تر و کوتاه‌تر باشد، مناسب به نظر می‌رسد، چون سادگی و کوتاهی عنوان، باعث ابهام و تأثیرگذاری بیش‌تر آن می‌شود. شاملو کم‌تر به عنوان‌های بلندی مانند «سرود مردی که خود را کشته است»، «سرود آن که برفت و آن کس که بر جای ماند»، «از مرگ من سخن گفتم»، «سرود برای مرد روشن که به سایه رفت»، «قصه‌ی مردی که لب نداشت»، «سرود آن کس که از کوچه به خانه باز می‌گردد» (۱۳۸۰: ۱۶۵، ۵۵۰، ۵۶۴، ۷۰۴، ۱۰۰۵)، پرداخته است. این نوع عنوان‌ها، اغلب اطلاعات بیش‌تری را فاش می‌کنند و بیش‌تر صورت روایی و داستانی دارند. به‌گونه‌ای که؛ محتوای شعر را از آن‌ها می‌توان تشخیص داد.

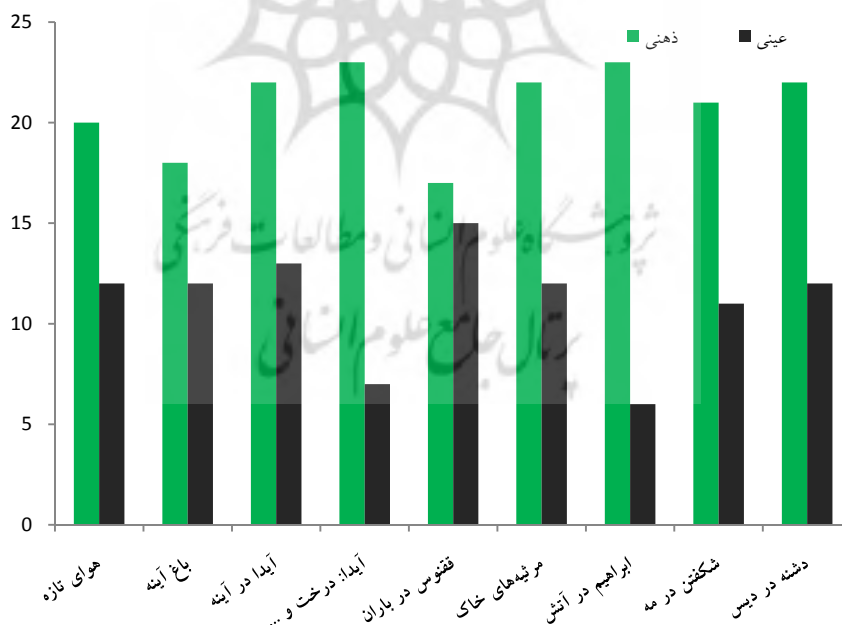


## ۷. بررسی محتوایی عنوان‌ها

### ۱.۷ ذهنی و عینی بودن عنوان‌ها

اغلب شاعرانی که عنوان‌های «عینی و محسوس» بیش‌تری دارند، شاعرانی برون‌گرا هستند. ولی شاعرانی که درون‌گرا هستند؛ با مفاهیم و نام‌های «ذهنی و انتزاعی»، بیش‌تر سروکار دارند. شاملو از شاعرانی است که مفاهیم ذهنی بیش‌تری را در شمار عنوان سروده‌های خود دارد. دلیل آن هم مشخص است؛ چون شاملو شاعری متعهد و اومانیسیم بوده و در هیچ دوره‌ای از دردهای مردم غافل نبوده؛ بنابراین، به موضوع‌های انتزاعی و ذهنی بیش‌تر گرایش دارد و هر چه به کارهای آخر می‌رسد، این روند سیر صعودی دارد. در مجموعه‌های اولش چون «هوای تازه»، «باغ آینه»، باز این مورد، کم‌تر دیده می‌شود.

– شاملو، در مجموعه «هوای تازه»، عنوان‌های انتزاعی بیش‌تری به کار برده است و فقط شانزده عنوان عینی را به کار برده است. چهل و هشت عنوان انتزاعی هستند. باقی دفترهای شعری شاملو را به همین ترتیب بررسی کردیم و حاصل آن به صورت نمودار، چنین است:



## ۲.۷ بررسی موضوعی عنوان‌ها

در این قسمت به بررسی و تقسیم‌بندی عنوان‌ها، با توجه به محتوا و موضوع آن‌ها پرداخته‌ایم. ابتدا از کتاب «هوای تازه»، که اولین مجموعه شعری قابل توجه شاملو است؛ آغاز کرده‌ایم. عنوان‌های هوای تازه، را می‌توان به شش دسته تقسیم کرد:

۱.۲.۷ عنوان‌های سیاسی - اجتماعی: بسامد عنوان‌هایی که محصول درد و رنج اجتماعی اوست؛ در مجموعه «هوای تازه» زیاد است. مانند: «بهار خاموش»، «رنج دیگر»، «صبر تلخ»، «انتظار»، «خفاش شب»، «شعر ناتمام»، «برای شما که عشقتان زندگی ست»، «سمفونی تاریک»، «آواز شبانه برای کوچه‌ها»، (همان: ۸۶، ۱۰۱، ۹۸، ۱۲۵، ۱۳۰، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۴۲).

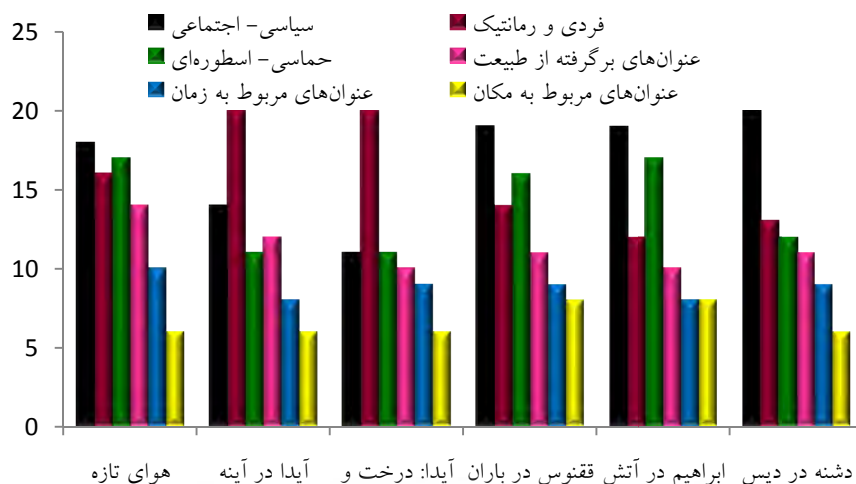
۲.۲.۷ عنوان‌های فردی و رمانتیک: درباره تقسیم عنوان‌های «هوای تازه» شاملو، می‌توان گفت که اغلب عنوان‌های رمانتیک، مرتبط با زندگی خصوصی شاعر است. رمانتیسم یا بازتاب زندگی خصوصی هم می‌تواند گونه‌های مختلف داشته باشد. یک نوع آن غمگینانه و حزن‌انگیز است. نوع دیگر شاد مشربانه است. عنوان‌های شعری شاملو در این مجموعه، در برخی شعرها حزن‌انگیز و در برخی دیگر، حزن‌انگیز و رمانتیک است. برای نمونه: «دیدار واپسین»، «نمی‌رقصانمت چون دودی آبی رنگ ...»، «به تو سلام می‌کنم و ...»، «تو را دوست می‌دارم»، «دیگر تنها نیستم»، «به تو بگویم»، «بدرود»، «از عموهایت»، «سرود مردی که تنها به راه می‌رود»، «تنها...»، (همان: ۱۰۲، ۱۳۵، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۷، ۲۳۰، ۲۳۲).

۳.۲.۷ عنوان‌های حماسی - اسطوره‌ای: بسامد این عنوان‌ها، در این دفتر شاملو در مرتبه سوم است. «از زخم قلب آبایی»، «مرگ نازلی»، «غزل آخرین انزوا»، «غزل بزرگ»، «با سماجت یک الماس»، و ... (همان: ۱۱۶، ۱۳۱، ۲۶۸، ۲۷۶، ۲۵۰).

۴.۲.۷ عنوان‌هایی که از طبیعت گرفته شده‌اند: مانند «بهار خاموش»، «مه»، «بادها»، «مرغ باران»، «بارون»، «حریق سرد»، ... (همان: ۸۶، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۶۶، ۱۸۹، ۲۳۴).

۵.۲.۷ و ۶. عنوان‌های مربوط به مکان و زمان: در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. «دیدار واپسین»، «ساعت اعدام»، «افق روشن»، «بهار دیگر»، ... (همان: ۱۰۲، ۱۳۸، ۲۰۷، ۲۲۴).

به همین ترتیب مجموعه‌های دیگر شاملو را بررسی کرده و به خاطر اختصار از ذکر همه آن‌ها خودداری نموده و نتیجه را به صورت نمودار نشان داده‌ایم.



## ۸. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱۸ همان‌طور که در نمودار می‌بینیم، در تمام آثار شاملو، عنوان‌های سیاسی و اجتماعی بسامد خیلی بالایی دارد. در حقیقت شاملو را می‌توان شاعری سیاسی - اجتماعی دانست که به اوضاع اجتماع خود، هیچ‌گاه بی تفاوت نبوده است. خود او در این‌باره می‌گوید: «مشاهده تنگدستی و بی‌عدالتی و بی‌فرهنگی در همه عمر بختک رؤیاهایی بوده است که در بیداری بر من می‌گذرد» (حریری، ۱۳۸۵: ۱۰۹). او بعد از نوشتن کتابی با مضمون عاشقانه و رمانتیک با نام «آهنگ‌های فراموش شده»، به ناگاه بیدار می‌شود و به قول خودش «تعهد را تا مغز استخوان احساس می‌کند» (۱۳۶۴: ۹۰) و از نوشتن شعرهایی که در آن‌ها عدم تعهد و بی‌خبری وجود دارد؛ احساس پشیمانی و ندامت می‌کند. عقیده به تعهد در شعر، عقیده‌ای است که شاملو در تمام دوره شاعری خود، نسبت به آن وفادار می‌ماند. شعرهای او اغلب به مقتضای زمانش نوشته شده‌اند. برای نمونه، شعر «پریا». او درباره این شعر می‌گوید: «پریا شعری بود که من مستقیماً به سفارش اجتماع نوشتم» (۱۳۵۰: ۲۳). این‌که بسیاری از شعرهای شاملو به مناسبتی سروده شده‌اند، بیانگر این‌ست که شاملو شاعری ست سخت متعهد. او شعر را در خدمت دغدغه‌های انسانی خود را قرار داده است. همچنین، شعرش را وقف ستایش انسان، به ویژه ستایش نخبگان سیاسی کرده است. در شعری با نام «قصیده برای انسان ماه بهمن» که شعری به مناسبت روز ۱۴ بهمن سالگرد قتل دکتر تقی ارانی در زندان است؛ او چهارده بار واژه «انسان» را که حکایت از گرایش‌های

اومانستی‌اش دارد و در عنوان شعر نیز آمده است، در متن شعرش تکرار کرده است. در حقیقت، اندیشه اومانستی در شعر شاملو به اوج می‌رسد. (نک. علایی، ۱۳۸۷: ۱۲۳). فقط در دو کتاب «آیدا در آینه» و «آیدا: درخت و خنجر و خاطره»، بسامد عنوان‌های سیاسی و اجتماعی او کم می‌شود.

۲۸ نمودار این را به ما نشان می‌دهد که شاملو چه اندازه به خود و دنیای خود پرداخته است. باید گفت بسامد عنوان‌های فردی و رمانتیک در چهار کتاب اول شاملو، بیش‌تر است. به‌ویژه در «آیدا در آینه»، و «آیدا: درخت و ...»، و در دفترهای بعد از آن کم‌تر می‌شود. در شعر شاملو، معشوق بسیار فردی و شخصی «گل کو»، «رکسانا» یا «روشنک»، «آیدا»، «گالیا» وجود دارد. «آیدا» که نامش در دو دفتر شاملو آمده است «دلداری کاملاً زمینی است. پوست و گوشت و لبخند و قهرش در تار و پود قطعات کتاب به جا مانده. عشق آن‌ها جنبه آسمانی و عرفانی ندارد، بلکه عشق دو تن هم‌بستر و دو تن دوستخواه یکدیگر است» (یادنامه احمد شاملو، ۱۳۹۲: ۳۲۹). این واقعیتی است که شاملو با پرداختن به شعر عاشقانه و گنج‌نیدن شعارهای ضد اجتماعی در آن، تا حدی از شعر اجتماعی دور شد. ولی این دور شدن به هنگام خود جبران شد و شاملو در مجموعه‌های بعدی به سوی واقعیت‌های اجتماعی بازگشت. البته، شاملو حتی در شرح عشق‌هایش هم مردم را فراموش نکرده است. «من اگر انسان باشم، نمی‌توانم از درد شما غافل باشم. توی عاشقانه‌ترین شعرای من یه عقیده اجتماعی پیدا می‌کنین. چرا؟ برای این که من دور نیستم از جامعه‌ام.» (شاملو، ۱۳۵۰: ز - ش).

۳۸ بسامد عنوان‌های حماسی - اسطوره‌ای شاملو در مرتبه سوم است. «اسطوره‌سازی [شاملو] یعنی نیروی تصرف در واقعیت و تبدیل امر واقعی به یک واقعیت برین و راندن واقعیت فرازمان و فرامکان» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۸۷). شاعر در کشاکش وقایع جامعه، اعدام‌ها، ترورها، زندان رفتن‌ها بوده و افراد زیادی را دیده که در این مبارزات و کشاکش‌ها کشته شده‌اند. او در بسیاری از سروده‌هایش، به آن‌ها اشاره می‌کند. البته نه به صراحت، بلکه گاهی به زبان رمزی و سمبلیک. در «مجموعه ابراهیم در آتش» این بسامد بیش‌تر است. لحن حماسی شعرهای شاملو، محصول نگاه اوست به جامعه و تاریخ که بر پایه رسالت شاعری پیام‌گزار در عرصه مبارزات اجتماعی و فرهنگی، قوام و دوام یافته است. (یادنامه احمد شاملو، ۱۳۸۱: ۴۴۱).

۴.۸ بسامد عنوان‌هایی که از طبیعت گرفته شده‌اند، در همه کتاب‌های شاملو وجود دارد. می‌توان گفت که شاملو، با طبیعت انس و الفتی داشته است. برای همین هم در شعر او تعداد عنوان‌هایی که از طبیعت گرفته شده‌اند، به تبع محتوای شعرهایش بسیارند. مانند «در شب»، «باران»، «برف»، «ماهی»، «کاج»، «مه»، «مرغ باران»، «بیر»، ... (۱۳۸۰: ۲۸، ۶۰، ۳۲۰، ۳۳۵، ۳۳۸، ۱۱۳، ۱۶۶، ۹۹۸). بیش‌تر این عنوان‌هایی که از طبیعت گرفته شده‌اند، به صورت سمبل هستند و نباید تأثیر مکتب سمبولیسم را فراموش کنیم. نیما را می‌توان بنیان‌گذار شعر سمبولیک دانست. (نک. سالیمان و آرتا، ۱۳۹۱: ۶۹). بعد از نیما، این جریان توسط پیروان نیما ادامه یافت. به‌ویژه، در سروده‌های شاملو، استفاده از عناصر طبیعت به خاطر سمبولیک بودن آن است و برای بیان مسائل و مشکلات آورده شده‌اند. در اغلب مواردی که شاعران از عناصر طبیعت در شعرهایشان به‌ویژه در عنوان، استفاده کرده‌اند، برآنند که از همان آغاز، تقدیر شعر شاملو را به زندگی اجتماعی و مصائب آن پیوند دهند. (ر.ک. سلاجقه، ۱۳۸۴: ۱۳۱). بسیاری از شعرهای شاملو، به‌ویژه در دوره‌های خفقان و استبداد مملو از این نام‌هاست که اغلب به صورت رمز و استعاره است. واژه‌هایی مثل شب، باد، دریا، جنگل، آینه، آفتاب، سپیده، ستاره، صبح، صنوبر، باران، و ... اصولاً با یک سری تغییرات در اجتماع، مثل فشارهای سیاسی، عنوان شعرها هم ممکن است عوض شود و به عنوان‌هایی مبهم یا سمبلیک تبدیل شوند.

۵.۸ و ۶. در این مجموعه‌ها، عنوان‌های شعری مربوط به زمان و بعد مکان است. شاملو به زمان توجه دارد. حتی نام یکی از مجموعه‌های شعریش «لحظه‌ها و همیشه» است. همچنین، می‌توان از «شبان»‌های شاملو نیز نام برد. در موارد زیادی، عنوان شعری شاملو به زمان وقوع یک رویداد اشاره دارد. مانند سرود «۲۳»، که تاریخ ۲۳ تیر، در اعدام یکی از مبارزان گفته است. «ساعت اعدام»، «قصیده برای انسان ماه بهمن»، (۱۳۸۰: ۱۴۴، ۹۸)، اشاره به زمان حادثه‌ای دارد. عنوان‌های مربوط به مکان، کم‌ترین بسامد را دارد. مانند «پاییز سن هوزه».

## ۹. برخی ویژگی‌های قابل ذکر در عنوان‌های شعری شاملو

### ۱.۹ خود سانسوری در عنوان سروده‌های شاملو

خود «سانسور»:

به معنای تلاش حکومت، سازمان‌های خصوصی، فرد یا گروه است برای جلوگیری از خواندن، دیدن و شنیدن آن چه که تصور می‌رود برای حکومت یا اخلاق عمومی خطرناک و زیان‌بار باشد (نوشه، ۱۳۴۵: ۱۱۴۳).

اغلب حاکمان سیاسی از سانسور برای سرکوب توده مردم استفاده می‌کنند. سانسور، می‌تواند شامل شعر هم بشود، زیرا؛ تجربه نشان داده است که شاعران هیچ‌گاه از مسائل سیاسی و اجتماعی روز برکنار نبوده‌اند و امثال شاعرانی چون سهراب سپهری، که به مسائل سیاسی بی‌توجه بود، به‌ندرت پیدا می‌شوند؛ بلکه شعر وسیله‌ای بوده برای بیان عقاید و افکارشان. گاهی که خفقان سیاسی و تفتیش عقاید پیش می‌آمد، شاعران نمی‌توانستند عقایدشان را شفاف بیان کنند. بنابر این، از ترس حکومت دست به خودسانسوری می‌زدند. «می‌توان گفت که انگیزه‌های شاعر، ناشناس ماندن یا ابهام به دلایل سیاسی یا ترس صاحب قلم از حکومت بوده است» (نبوی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۴۴). در برخی حوادث، این فشار و اختناق بیش‌تر بوده، در این مواقع، وظیفه شاعران خطیرتر می‌شده است. چون بار مسئولیت سیاسی به دوش شعر می‌افتاد.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، که نکبت سانسور و خفقان بر جراید ایران سایه‌افکن شد و بحث‌های سیاسی و اجتماعی در زمره ممنوعات قرار گرفت، روزنامه‌ها و مجلات، تمام زورشان را به طرف صفحات ادبی که عمدتاً به اشعار نو اختصاص داشت، منتقل کردند. در این دوران، شاعران نوپرداز بسیاری ظهور کردند و نوپردازان پیش از کودتا، از نشریات خصوصی چپی به صحنه گسترده مجلات عمومی راه یافتند و در آب و هوای جدید نشو و نمای تازه‌ای کردند. از جمله، آقای احمد شاملو بود که مجلات برای چاپ اشعارش سر و دست می‌شکستند (یادنامه احمد شاملو، ۱۳۹۲: ۴۰۸).

بدین ترتیب، شعر وسیله‌ای برای بیان مقاصد شاعران بود و البته که شاعران، نمی‌توانستند فکر و اندیشه خود را شفاف بیان کنند. گاهی حتی برای این کار مجبور بودند، از نماد و سمبول استفاده کنند.

ادامه این وضع در اواخر دهه ۱۳۳۰ باعث ناامیدی روشنفکران و نویسندگان شد و آنان را وادار نمود تا جهت بیان عقاید و افکارشان به سمبولیسم روی آورند (خسروی زارگر، ۱۳۸۵: ۲۸۱).

راه دیگر این بود که دست به خود سانسوری بزنند.

شاملو از همان شاعرانی است که اغلب مجبور می‌شده که عنوان سروده‌هایش را، به خاطر جو و فضای خفقان عوض کند. شاعری که بسیاری از سروده‌هایش، شرح و توصیف مردان مبارزی است که ترور یا اعدام شده‌اند. «حوادث عصر او از قبیل اعدام‌ها، مسائل سیاسی، درگذشت بزرگان و روشنفکران همه و همه در شعر او انعکاس یافته است» (شمیسا، ۱۳۹۲: ۳۵۷). برای این سروده‌های شاملو که عنوان‌هایشان تغییر یافته، می‌توان اهمیتی هم قائل بود. اهمیت این شعرهای سیاسی و اجتماعی در این است که هرچند به مناسبت واقعه خاصی سروده است؛ اما قدرت تعمیم در زمان‌ها و مکان‌های دیگر هم دارد. حتی، گاهی می‌توان گفت که شاعران از صراحت‌گویی خسته می‌شدند. نمونه‌های زیادی از این خودسانسوری در مجموعه شعرهای او هست و خود او برخی از این موارد را شرح داده است. در شرحی که در باب شعر «مرگ نازلی» نوشته، توضیح داده است که

جهت گریز از سانسور به جای «وارتان» از اسم «نازلی» استفاده کرده است. «شعر نخست مرگ نازلی نام گرفت تا از سد سانسور بگذرد؛ اما این عنوان شعر را به تمامی وارتان‌ها تعمیم داد و از صورت حماسه یک مبارز به خصوص درآورد (شاملو، ۱۳۸۱: ۱۰۳۶).

درباره «آمان‌جان» که در شعری به همین نام و در مجموعه «هوای تازه»، آمده است، شاملو بعدها نوشت:

آبایی دبیر ترکمنی بود که نیمه‌های دهه ۲۰ در گرگان به ضرب گلوله کشته شد. شبی که قرار بود عوامل مبارز نمایش نامه‌ای را بر صحنه آورند، ناگهان فرماندار وقت دستور ممانعت از اجرای نمایش را صادر کرد. کار به اعتراض و دخالت پادگان کشید. درگیری شدت یافت و آبایی مورد اصابت گلوله قرار گرفت و همان دم به قتل رسید. در چاپ‌های زمان شاه این شعر، برای جلوگیری از سانسور به «آمان‌جان» تغییر یافت و خود او «قهرمان اساطیری در یکی از افسانه‌های ترکمنی معرفی شد. (همان: ۱۰۶۰)

شعر «۲۳». «این شعر شبانگاه کشتاری نوشته شد که ارتش در ۲۳ تیرماه ۱۳۳۰، در تهران، به راه انداخت. کشتار رزمندگانی که در اعتراض به ورود نماینده رییس جمهوری امریکا، هریمن به تهران راه‌پیمایی بی‌سابقه به راه انداختند. شعر بلافاصله، مستقلاً در جزوه‌ای انتشار یافت و بعدها با حذف و دست‌کاری‌هایی که بتواند آن را از قیچی سانسور

نظام پلیس به در برد، در ابتدای مجموعهٔ مرثیه‌های خاک گذاشته شد» (همان: ۵۳۹). نمونه‌های دیگری هم هست، که شاعر به خاطر ترس و هم تعمیم آن شخصیت، نام قهرمان را به صورت سمبلیک آورده است. از جمله، «قصیده برای انسان ماه بهمن»، شعری است به مناسبت روز ۱۴ بهمن، سالگرد قتل دکتر ارانی در زندان، «مرثیه» (برای نوروز علی غنچه) و «زبان دیگر» (به یاد خسرو گل سرخی)، «سرود ابراهیم در آتش» (اعدام مهدی رضایی در میدان تیر چیتگر)، «خطابهٔ تدفین» (اعدام خسرو روزبه).

## ۲.۹ نقش ترجمه، بر عنوان سروده‌های شاملو

شاملو شاعری است که با شاعران فرنگی آشنا بوده و برخی از آثار آن‌ها را ترجمه کرده است. آشنایی او با شاعرانی مانند مایاکوفسکی، الوار، آراگون و لورکا باعث شد که از آن‌ها، در شعرهایش بسیار متأثر شود. درحقیقت، باید گفت شاملو کم‌تر تحت تأثیر زبان و سنت ایرانی است «تأثیر او از شعر گذشتهٔ زبان فارسی، بسیار کم است و شاید بتوان گفت هیچ تأثیری ندارد» (اخوان، ۱۳۷۳: ۲/۴۳ - ۴۲). «تأثیر «الوار» در بخش‌های ششم و هفتم «هوای تازه» دیده می‌شود. گاهی این اشعار به ترجمه‌هایی می‌ماند که شاملو خود از «پل الوار» کرده است» (حسن‌لی، ۱۳۸۳: ۹۹). نیز «قطعه‌های بسیاری از دفتر هوای تازه و آهن‌ها و احساس، رنگ اندیشه و احساس شاعران فرنگی دارد. برخی جمله‌ها و شعرها ترجمه است. در آخرین کتاب وی «شکفتن در مه» به‌ویژه در قطعهٔ «عقوبت»، تأثیر کتاب مقدس آشکار است» (دستغیب، ۱۳۵۴: ۱۳۰). شاملو عنوان برخی از سروده‌هایش را از شاعران فرنگی می‌گیرد. برای نمونه، عنوان «آیدا در آینه» یادآور «الیزه در آینه» آراگون است «شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳، ۱۷». عنوان (Air vif)، از شعر فرنگی گرفته شده و «هوای تازه»، از شعری از الوار است که او در مجلهٔ در راه هنر ترجمهٔ آن را منتشر کرد» (شفیعی کدکنی، ۲، ۱۳۹۰: ۵۱۰). نمونهٔ دیگر «دیوارها» شعری بلند است در هفت بخش. در پایان آن نوشته شده، ملهم از یک شعر گیلویک، به همین نام» (پاشایی، ۱۳۷۸: ۱/۱۰۴). «مرغ باران» ملهم از یک شعر ژاپنی است به ترجمانی خود سراینده به همین نام، منتهی بامداد آن را گسترش بیش‌تری داده» (دستغیب، ۱۳۵۴، ۳۳۳). واژه‌های فرنگی در عنوان‌های شعری بامداد وجود دارد و تأثیر همان ترجمه و آشنایی شاملو با غرب است. مانند «سمفونی تاریک» (۱۳۸۱: ۲۴۲). شاملو دربارهٔ سمفونی تاریک می‌نویسد: «شک دارم که این قطعه از من است یا ترجمهٔ آزادی از یک شاعر غربی» (شاملو، ۱۳۸۱: ۳۴۵). نمونه‌های دیگر «برای



خون و ماتیک»، «postumus»، «هملت»، «نلسن ماندلا»، (همان: ۲۸، ۳۴۵، ۶۶۱، ۹۴۱) است. گاهی عنوان‌ها از نظر دستوری فارسی نیستند و تحت تأثیر ترجمه هستند. مانند شعر «نمی‌توانم زیبا نباشم» (همان: ۴۱۷).

شاملو سروده‌هایی دارد با عنوان «شبانه»، که این نام و عنوان را نیز از راه ترجمه و از غرب گرفته است. «از نمونه‌های بسیار چشم‌گیر این مسأله، انتخاب (nocturn)، برای مقداری از شعرها که نخستین بار شاملو، آن را به «شبانه» ترجمه کرده است تا مدت‌ها هیچ‌کس جرأت نمی‌کرد اسم شعرش را «شبانه» بگذارد، چون تصور می‌کردند حق استفاده از این ترجمه در انحصار نخستین مترجم است که شاملو است. ولی کسانی که با فرهنگ مغرب زمین آشنایی دارند، می‌دانند که عنوان «شبانه»، در آن اقلیم فرهنگی، مثل عنوان «غزل» یا «عاشقانه» است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۵۱۰). شاملو تعدادی شعر هم به نام «هجراتی» دارد. «هجراتی‌ها شعر غربتند» (شاملو، ۱۳۵۰: ۲۲) و در مجموعه «ترانه‌های کوچک غربت» آمده‌اند، ولی به نظر نمی‌آید که این را از غرب گرفته باشد.

### ۳.۹ رابطه دانش و آگاهی شاملو در انتخاب عنوان‌های زیبا و بدیع

واژگانی که شاعران در اشعار خود به کار می‌برند، با توجه به سطح تحصیلات، جنس، روحیات، محیط، شرایط اجتماعی و سیاسی و بسیاری از عوامل دیگر متفاوت است و هر شاعری با توجه به شرایط خاصی که دارد، ممکن است از برخی از این واژه‌ها استفاده کند. عوامل مؤثر در گزینش واژگان متنوع است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: «شخصیت فردی شاعر به ویژه حالات روحی وی، مخاطبان شاعر، سنت و میراث ادبی گذشته، محیط زندگی شاعر و اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان» (پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۳۸). این واژگان انتخابی گرایش‌های شاعر را نشان می‌دهد. «روان‌شناسان معتقدند که از روی تنوع و بسامد واژه می‌توان گرایش‌های فکری، عاطفی، اجتماعی و سیاسی او را تشخیص داد» (غیاثی، ۱۳۶۸: ۳۹). برای نمونه، عنوان‌های شعری سپهری بیش‌تر واژه‌های عاطفی و ملایم است (نک. عابدی، ۱۳۷۵: ۶۳). شاملو واژه‌های زیبا و بدیعی را برای عنوان سروده‌هایش انتخاب می‌کند. «یکی از ویژگی‌های شاملو این است که به ابتدال تن در نمی‌دهد» (یادنامه احمد شاملو، ۱۳۸۱: ۶۳). علاوه بر این موارد، می‌توان از واژه‌های انتخابی شاعران، به میزان بدعت و نوآوری واژه‌ها پی‌برد. برخی شاعران در عنوان‌های شعریشان از واژه‌ها و ترکیب‌های تازه‌ای استفاده می‌کنند که نشان دهنده ابتکار و دانش عمیق آن‌هاست و به

عکس، برخی دیگر از همان واژه‌ها و ترکیباتی در عنوان‌ها استفاده می‌کنند که دیگران استفاده کرده‌اند. چون «زبان چیزی جز ذهن نیست و ذهن چیزی جز زبان نیست. وقتی که زبان شاعر تکراری است، جهان‌بینی او هم تکراری است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۲۷).

شاملو شاعری با گنجینه‌ی واژگان غنی است. علاوه بر این، تسلط و آشنایی بر زبان‌های دیگر او را به شاعری که عنوان‌های بدیع و زیبا دارد، بدل ساخته است. «کتاب‌های ا. بامداد پر از اصطلاحات، تعبیرات و ترکیبات تازه‌ای است که خود او خلاق آن‌هاست» (شمس لنگرودی، ۱۳۷۰، ۲/ ۱۶۱). شاملو واژه‌ها و ترکیب‌های زیبایی را در عنوان سروده‌های خود آورده است که خاص خود اوست. این عنوان‌ها عبارتند از: «برای خون و ماتیک»، «باغ آینه»، «گل کو»، «خفاش شب»، «مرگ نازلی»، «نمی‌رقصانمت چون دودی آبی رنگ»، «سمفونی تاریک»، «سمیرمی»، «خطابه‌ی تدفین»، «شب غوک»، «هاسمیگ» (همان: ۲۸، ۲۸، ۹۵، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۵، ۲۴۲، ۵۲، ۴۴، ۹۲۷، ۹۶۵). او همچنین، در انتخاب عنوان سروده‌هایش به دلیل اشرافی که بر ریشه‌ی واژگان و معانی آن‌ها دارد، عنوان درست و مناسب را برمی‌گزیند و این به غنای واژگان او برمی‌گردد. او در انتخاب عنوان یکی از سروده‌هایش به نام «خواب و وجین‌گر»، با انتخاب «وجین‌گر» به جای «دهقان»، این دقت و توجه به واژگان درست را نشان می‌دهد. «شاعر در این نسخه به این نکته توجه داشته است که برزگری که کشت را از علف‌های هرز پاک می‌کند. «وجین‌گر» یا «ویجن‌گر» خوانده می‌شود، نه دهقان» (پاشایی، ۱۳۷۸: ۱/ ۴۰).

## ۱۰. نتیجه‌گیری

بین عنوان و اندیشه‌ی حاکم بر سروده‌های شاملو، انسجام و پیوندی استوار، هم در صورت و هم در محتوا وجود دارد. شاعری مانند شاملو دارای گنجینه‌ای غنی از واژگان است. او نام شعرهایش را بسیار آگاهانه انتخاب می‌کند و بین عنوان شعرها و محتوای آن‌ها، تناسب و هماهنگی برقرار می‌کند. عنوان‌های شاملو بیش‌تر انتزاعی هستند. چون شاملو شاعری متعهد و اومانیسم بوده و در هیچ دوره‌ای از دردهای مردم غافل نبوده، بنابر این، به موضوع‌های انتزاعی و ذهنی بیش‌تر گرایش دارد. عنوان‌های شعری شاملو از نظر بسامد به ترتیب به عنوان‌های اجتماعی - سیاسی، عنوان‌های رمانتیک و فردی، عنوان‌های حماسی و اسطوره‌ای، عنوان‌های برگرفته از طبیعت، عنوان‌هایی که به زمان و مکان مربوط می‌شوند، تقسیم شده‌اند. از بسامد این عنوان‌ها، ما به این نتایج می‌رسیم که شاملو در تمام طول زندگی‌اش، شاعری اجتماعی و

سیاسی بوده است. شاملو به خاطر اختناق سیاسی و تفتیش عقاید ناشی از حاکمیت حکومت‌های دیکتاتور، گاهی مجبور شده، دست به خود سانسوری در عنوان سروده‌هایش بزند و آن‌ها را تغییر دهد و حتی عنوان‌ها را به صورت نمادین بیان کند. مهم‌ترین انگیزه شاعران از روی آوردن به نماد، هم جنبه‌های سیاسی آن بوده و هم خلق ابهام و غنی کردن جنبه‌های ادبی آثار هنری است. شاملو شاعری است که با شاعران فرنگی آشنا بوده و برخی از آثار آن‌ها را ترجمه کرده است. آشنایی او با شاعرانی مانند مایاکوفسکی، الوار، آراگون و لورکا باعث شد که عنوان برخی از شعرهایش را به پیروی از آن‌ها انتخاب کند.

### کتاب‌نامه

۱. اخوان ثالث، مهدی (۱۳۷۳): *حریم سایه‌های سبز* (مجموعه مقالات اخوان ثالث)، زیر نظر کاخی مرتضی، دو جلد، چاپ اول، تهران: زمستان.
  ۲. اخوان ثالث، مهدی، (۱۳۸۴): *از این اوستا*، چاپ پنجم، تهران: مروارید.
  ۳. اخوان لنگرودی، مهدی (۱۳۷۷): *یک هفته با احمد شاملو در اتریش*؛ چاپ چهارم، تهران: مروارید.
  ۴. انوشه، حسن (۱۳۴۵): *فرهنگ نامه ادب فارسی*، چاپ اول: تهران.
  ۵. پارسا، سید احمد (۱۳۸۸): «تحلیل و بررسی سروده نادر یا اسکندر اخوان ثالث»، *مجله بوستان ادب*، دانشگاه شیراز، دوره اول، شماره ۱، برگ‌های ۴۸ - ۳۵.
  ۶. پاشایی، ع. (۱۳۷۸): *زندگی و شعر احمد شاملو*، نام همه شعرهای تو، زندگی در شعر احمد شاملو، جلد اول و دوم، تهران: ثالث.
  ۷. پشتدار، علی محمد، آزادی مقدم، پروین (۱۳۹۰): «نقدی بر زیبایی‌شناسی عیوب کلام با ذکر شواهدی از اشعار احمد شاملو و نیما یوشیج»، *ادبیات پارسی معاصر*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان، برگ‌های ۱ - ۱۹.
  ۸. پورنامداریان، تقی (۱۳۹۰): *سفر در مه* (تأملی در اشعار شاملو)، تهران: نگاه.
  ۹. حریری، ناصر (۱۳۸۵): *درباره هنر و ادبیات*، گفت و گوی ناصر حریری با احمد شاملو، چاپ پنجم، تهران: نگاه.
  ۱۰. حسن‌لی، کاووس (۱۳۸۳): *گونه‌های نوآوری در شعر معاصر*، با همکاری دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، تهران: ثالث.
  ۱۱. خسروی زارگر، مسلم (۱۳۸۵): «نقد و معرفی روایت سانسور در عصر پهلوی دوم»، *فصلنامه علمی - تخصصی یاد*، برگ‌های ۲۷۶ - ۲۸۷.
- دستغیب، عبدالعلی (۱۳۵۴): *نقد آثار شاملو*، چاپ سوم، تهران: چاپار.

۹۶ بررسی و تحلیل ساختاری و محتوایی «عنوان» در سروده‌های احمد شاملو ...

۱۲. رحیم، عبدالقادر (۲۰۱۰): *علم‌العنویة دراسة تطبیقیة*، ط ۱، دمشق، سوریا: دار التکوین للتألیف و الترجمة والنشر.
۱۳. سالمیان، غلامرضا و محمد آرتا (۱۳۹۱): «بررسی تطبیقی دلالت معنایی نمادها در ادبیات کلاسیک و اشعار احمد شاملو»، *فصلنامه زبان و ادبیات فارسی*، سال ۲۰، شماره ۷۳، برگ‌های ۹۸ - ۶۷.
۱۴. سلاجقه، پروین (۱۳۸۴): *نقد شعر معاصر*، امیرزاده کاشی‌ها (شاملو)، چاپ اول، تهران: مروارید.
۱۵. شمس لنگرودی (محمدتقی جواهری گیلانی) (۱۳۷۰): *تاریخ تحلیلی شعر نو، چهار جلد*، تهران: مرکز.
۱۶. شاملو، احمد (۱۳۵۰): *برگزیده شعرهای احمد شاملو*، چاپ دوم، تهران: بامداد.
۱۷. شاملو، احمد (۱۳۸۰): *مجموعه آثار، دفتر یکم*، شعرها (۱۳۲۳ - ۱۳۷۸)، دو جلد، تهران: نگاه و زمانه.
۱۸. شاملو، احمد (۱۳۵۵): *هوای تازه*، چاپ پنجم، تهران: نیل.
۱۹. شاملو، احمد (۱۳۷۶): *دشنه در دیش*، مروارید: تهران.
۲۰. شاملو، احمد (۱۳۶۴): *قطع‌نامه*، به کوشش دکتر شکوه نوایی نژاد، تهران: مروارید.
۲۱. شاملو، احمد (۱۳۷۶): *دشنه در دیش*، تهران: مروارید.
۲۲. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰): *حالات و مقامات م. امید*، تهران: سخن.
۲۳. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶): *زمینه اجتماعی شعر فارسی*، تهران: زمانه و اختران.
۲۴. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳): *ادوار شعر فارسی*، تهران: سخن.
۲۵. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰): *با چراغ و آئینه*، در جست و جوی ریشه‌های تحول در شعر معاصر، تهران: سخن.
۲۶. عابدی، کامیار (۱۳۷۵): *از مصاحبت آفتاب، تأملات و جست و جوهایی در شعر سهراب سپهری*، چاپ اول، تهران: پاییز.
۲۷. علایی، مشیت (۱۳۸۷): «ظلمات سر جهان»، نگاهی به مدایح احمد شاملو، ۱۳ و ۱۴، *اندیشه و هنر*، برگ‌های ۱۳۲ - ۲۴.
۲۸. غیاثی، محمد تقی (۱۳۶۸): *درآمدی بر سبک شناسی ساختاری*، تهران: شعله اندیشه.
۲۹. فتوحی، محمود (۱۳۸۵): *بلاغت تصویر*، چاپ دوم، تهران: سخن.
۳۰. متحدین، ژاله (۱۳۵۴): «تکرار، ارزش صوتی و بلاغی آن»، *جستارهای ادبی*، پاییز، شماره ۴۳ - ۴۸، برگ ۱ - از ۴۸۳ تا ۵۳۰.
۳۱. نبوی نژاد، حسام‌الدین (۱۳۸۳): «نام مستعار در شعر نو»، *زنده‌رود، فصلنامه فرهنگ، ادب و تاریخ*، شماره ۳۰ و ۳۱، بهار و تابستان، برگ‌های ۴۰ تا ۵۱.
۳۲. یادنامه احمد شاملو (۱۳۹۲): *شعری که زندگیست*، یادنامه احمد شاملو نقد و تحلیل اشعار احمد شاملو، به اهتمام قدمیاری، مجید، تهران: سخن.

علی محمدی و طاهره قاسمی دورآبادی ۹۷

۳۳. یادنامه احمد شاملو (۱۳۸۱): *بامداد همیشه*، (مجموع مقالات): تنظیم از سرکیسیان، آیدا، تهران: مؤسسه نگاه.

34. Grace (1975), H. logic and conyerstion, syntax and semantics, academic press, vol 3.

